

یلانامہی عارف قزوینی

سراینده‌ی رهایی ایران

به اهتمام مهدی به خیال



سراینده‌ی رهایی ایران

یادنامه‌ی عارف قزوینی



به اهتمام مهدی به‌خیال



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران - ۱۳۹۹

یادنامه‌ی عارف قزوینی: سراینده‌ی رهایی ایران / به اهتمام مهدی به‌خیال.

تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۹، ۷۴۸ ص.

ISBN: 978-600-376-262-6

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان دیگر: سراینده‌ی رهایی ایران.

۱. عارف قزوینی، ابوالقاسم، ۱۲۵۷-۱۳۱۲ - یادنامه‌ها.

۲. عارف قزوینی، ابوالقاسم، ۱۲۵۷ - ۱۳۱۲. - سرگذشتنامه.

۳. شاعران ایرانی - قرن ۱۴ - سرگذشتنامه.

Poets, Persian - 20th century - Biography

الف. به‌خیال، مهدی، ۱۳۵۹ -

۱۳۹۹ ۲ی/ب/ PIR۷۷۶۳/۸فا/۶

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۷۲۳۹۹

یادنامه‌ی عارف قزوینی

سراینده‌ی رهایی ایران

به اهتمام مهدی به‌خیال

طراحی روی جلد: امیرمهدی قدوسی

صفحه‌آرایی: مهدی به‌خیال، مصطفی قهرمانی ارشد

حروف نگار: طیبه فیلی

چاپ اول: آذر ۱۳۹۹

چاپ: قشقایی، شمارگان: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۶ - ۲۶۲ - ۳۷۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸

حق چاپ محفوظ است.



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲ - ۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

فروشگاه: خیابان کریمخان، بین ایرانشهر و ماهشهر، پلاک ۱۴۰

تلفن: ۸۸۴۹۰۱۹۵ - ۸۸۴۹۰۱۳۸

negahpublisher@yahoo.com

www.negahpub.com negahpub newsnegahpub

«...عارف رند حقیقی است و مثل شعرای دیگر فقط به

اظهار رندی فرضی در اشعار اکتفا نکرده است.»

داعی الاسلام





◆ ابوالقاسم عارف قزوینی (تهران ۱۳۰۲ ه.ش.)

«گمان می‌کردم در قلب و دل این مردم جا گرفته‌ام...
ولی افسوس که حال فهمیدم تمام عمر به خطا رفته، و تمام امیدهای خیالی
مُبدل به یأس و نومیدی شده...»
عارف قزوینی



فهرست مطالب

پیشگفتار / مهدی به خیال الف - ج

◇ سیری در زندگی و آثار

- عارف در گذرگاه تاریخ / محمدعلی سپانلو ۳
- عارف شاعر ملی ایران / دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی ۳۰
- عارف از همه برای من عزیزتر است / دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی ۴۲
- گشت و گذاری در آثار و زندگی عارف / یحیی آرین پور ۵۹
- ترانه‌ی ملی / دکتر غلامحسین یوسفی ۷۸
- سراینده‌ی رهایی ایران / دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن ۸۷
- درون‌مایه‌های شعر مشروطه (ناسیونالیسم و تجدد) / ماشاء الله آجودانی ۹۳
- عارف قزوینی و ناسیونالیسم رمانتیک / دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان ۱۱۱
- رمانتیسم عارف / دکتر مسعود جعفری ۱۱۶
- یک غزل میهنی: «پیام آزادی» عارف / دکتر احمد کریمی حکاک ۱۳۵
- قصه‌ی پر غصه یا رُمان حقیقی / شاهرخ مسکوب ۱۵۳
- آواره‌ی آزادی / سعید پورعظیمی ۱۸۳
- شاعران برجسته‌ی دوره‌ی مشروطه / مادام وراکویچکوا / ترجمه‌ی یعقوب آژند ۲۲۲
- عارف شاعر مردم / گ. گ. گامین / ترجمه‌ی غلامحسین متین ۲۲۴
- نیمرخ عارف / محمد قائد ۲۴۷
- پیش‌بینی ملک الشعرا بهار در مورد عارف / دکتر محمدجعفر محبوب ۲۵۲

آواز گمشده (سرودخوان آزادی)/ رکن‌الدین خسروی..... ۲۵۷

چهره‌ی رنج‌دیده‌ی انقلاب/ جواد مجابی..... ۲۷۸

◇ از تصنیف‌سازی تا برپایی کنسرت

نگاهی به تصنیف‌های عارف/ ارشد تهماسبی..... ۲۸۳

تاریخ نمایش‌های عارف/ محمد گلین..... ۲۹۴

تصنیف عارف را در بغداد هم می‌خواندند/ سید محمدعلی جمالزاده..... ۳۱۲

عارف روزش بهتر از شبش بود/ گفت‌وگو با علینقی وزیری..... ۳۱۴

درس‌های تصنیف عارف/ دکتر ساسان سپنتا..... ۳۱۶

عارف شاعر سنگر و سرودهای میهنی/ حسینعلی ملاح..... ۳۱۹

خاطره‌ای از عارف قزوینی/ عبدالحسین سپنتا..... ۳۲۶

صدای عارف دو دانگ بود/ گفت‌وگو با علی‌اکبر شهنازی..... ۳۲۸

خواهش عارف برای تصنیف شوستر/ گفت‌وگو با عبدالله دوامی..... ۳۳۱

ژردانه‌ی انقلاب مشروطه/ صدیق تعریف..... ۳۳۳

به یاد تصنیف‌سرا و شاعر انقلابی معاصر ایران/ محمدرضا لطفی..... ۳۳۸

کنسرت من با عارف/ حبیب‌الله مشیرهمایون (شهردار)..... ۳۴۰

نگاهی به تصنیف‌های عارف/ دکتر هدایت‌الله نیرسینا..... ۳۴۳

درویش‌خان در کنسرت عارف/ روح‌الله خالقی..... ۳۷۳

یادی از عارف/ دکتر صادق رضازاده شفق..... ۳۷۵

سه چهره از عارف/ داوود پیرنیا..... ۳۷۸

عارف موسیقی‌دانی حساس و میهن‌پرست/ غوغا خلعتبری..... ۳۸۳

صدای مشروطیت ناکام ایران/ سید علیرضا میرعلینقی..... ۳۸۸

سرگذشت موسیقی ایران/ روح‌الله خالقی..... ۳۹۳

شعر و حکمت/ محمدحسین شهریار..... ۴۰۵

عارف بر اساس پیشامدهای کشور تصنیف می‌ساخت/ گفت‌وگوی بنان و مه‌رتاش..... ۴۰۶

◇ خاطرات و یادها

- ۴۱۷ خاطرات سیاسی، ادبی، جوانی / سعید نفیسی
- ۴۴۳ خاطرات رسام ارزنگی از عارف قزوینی / اسماعیل جمشیدی
- ۴۵۰ تأثیر حرف‌های عارف و شوخی او با سردار شجاع / نظام‌السلطنه مافی
- ۴۵۳ عارف قزوینی و ملک‌الشعرا بهار / یحیی ریحان (سمیعان)
- ۴۵۷ شورانگیزترین عشق قرن بیستم / جمشید صداقت‌نژاد
- ۴۶۳ با عارف در سفر به اصفهان / شاپور لواء مختاری
- ۴۶۵ روابط ملک‌الشعرا بهار و عارف قزوینی / احمد نیکوهمت
- ۴۷۱ مقالاتی که مایه‌ی اختلاف بهار و عارف شد / کاظم پزشکی
- ۴۷۷ عارف محافظه‌کار نبود / محمدرضا هزار
- ۴۷۹ عارف غرف‌شکن / فریبرز ساکی‌مهر
- ۴۸۴ یادگار عارف / دکتر غلامعلی رعدی‌آدرخشی
- ۴۹۳ شکایت از عارف به آقای دینشاه / ملک‌الشعرا بهار

◇ سفری پرحاشیه

- ۴۹۹ عارف و قیام خراسان / سید علی آذری
- ۵۰۹ کینه‌ی عارف از قوام‌السلطنه / عباس خلیلی
- ۵۱۱ من شاهد قتل کلنل محمدتقی‌خان بودم / اسماعیل خان بهادر

◇ شازده‌ی قاجار و شاعر ملی

- ۵۱۵ إخوانیات عارف‌نامه‌ی ایرج / دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان
- ۵۲۹ عارف و عارف‌نامه‌ی ایرج میرزا / دکتر محمدجعفر محجوب
- ۵۳۲ علت اختلاف ایرج و عارف / سید علی آذری
- ۵۳۶ توهین ایرج میرزا عارف را پیر کرد / سید مهدی فرخ (معتمدالسلطنه)
- ۵۴۱ بی‌مهری نابخشودنی ایرج در حق عارف / نصرت‌الله فتحی
- ۵۴۵ پیرامون عارف‌نامه‌ی ایرج میرزا / غلامرضا ریاضی
- ۵۵۱ منتقدین عارف‌نامه / نصرت‌الله فتحی

◇ سرنوشت چاپ آثار

- اولین چاپ دیوان عارف در برلین / حسین کاظم‌زاده ایرانشهر..... ۵۶۹
- سرگذشت اسفانگیز چاپ دیوان عارف قزوینی / عبدالرحمان سیف‌آزاد..... ۵۷۳
- سیف‌آزاد، نام مرا از روی کتاب عارف برداشت / سید هادی حائری (کورش)..... ۵۷۷
- چاپ آثار عارف در بمبئی / عبدالحسین سپنتا..... ۵۸۰
- انتشارات امیرکبیر دیوان عارف را منتشر کرد / عبدالرحیم جعفری..... ۵۸۱
- عارف قزوینی و سرنوشت چاپ آثارش / مهدی به‌خیال..... ۵۸۴

◇ آخرین سفر

- پدرم با عارف در همدان تبعید بود / دکتر شرف‌الدین خراسانی..... ۵۹۵
- من شیخ ابوالقاسم قزوینی هستم / سید جواد بدیع‌زاده..... ۵۹۹
- سه‌روز در خدمت عارف قزوینی / ابراهیم صفایی..... ۶۰۹
- سفری که به غرب کردیم / احمد کسروی..... ۶۱۵
- عارف، ظلی، دانشفر و عموجان / امیرشهاب رضویان..... ۶۱۷
- آشتی وحید و عارف / بدیع همدانی..... ۶۲۱
- وحید دستگردی و عارف قزوینی / ابراهیم صفایی..... ۶۲۳
- عارف در جشن مدرسه‌ی آمریکایی (همدان) / فریدالدوله گلگون..... ۶۲۶
- اولین کنسرت من و عارف در همدان / قمرالملوک وزیری..... ۶۳۰
- تنها مونس عارف / گفت‌وگوی قاسم برنا با جیران..... ۶۳۲
- آخرین روزهای تأثرانگیز زندگی عارف / ربیع مشفق همدانی..... ۶۳۳
- به دیدار عارف رفتم / سید معزالدین مهدوی..... ۶۴۷
- طالع همدانی از دیدارش با عارف می‌گوید / علی جهانپور..... ۶۵۰
- ماجرای علی دادا؛ بقال سرگذر با عارف / حسین اقبالی..... ۶۵۶

◇ مرگ صدای مشروطه

- مناقشه در دفن عارف / دکتر حسن فاتح..... ۶۵۹
- اعلامیه‌ی درگذشت عارف / میرزا مهدی‌خان بدیع‌الحکما..... ۶۶۱
- خبر درگذشت عارف قزوینی / روزنامه‌ی شفق سرخ..... ۶۶۳

- عارف قزوینی درگذشت / روزنامه‌ی اطلاعات..... ۶۶۴
- خبر درگذشت عارف / روزنامه‌ی عصر آزادی / مدیرزاده..... ۶۶۶
- مردی یکرنگ از جهان رفت / سید احمد کسروی..... ۶۶۸
- دوست روحانی ما عارف / دکتر صادق رضازاده شفق..... ۶۷۰
- عارف زنده‌ی جاوید است / رحیم نامور..... ۶۷۱
- عارف در ترکیه قفقاز و بین‌النهرین / علی جواهرکلام..... ۶۷۳
- عارف در آرامگاه بوعلی / فرزاد سپهر..... ۶۷۴

◇ در رثای عارف به یاد شاعر

- در رثای عارف قزوینی / ملک‌الشعرا بهار..... ۶۸۱
- ساز و آواز بعد از عارف / عبدالحسین سہتا..... ۶۸۲
- تند باد اجل از باغ ادب برد گلی / زنده‌دخت شیرازی..... ۶۸۵
- نثار روان عارف / عبدالعلی ادیب برومند..... ۶۸۶
- به روان عارف / رسام ارژنگی..... ۶۸۸
- بنشین به یادم شبی (به یاد عارف) / هوشنگ ابتهاج (ها. سایه)..... ۶۸۹
- برای عارف و گریه را به مستی بهانه / احمد حیدریگی..... ۶۹۱

■ نمایگان

۱. نام‌نامه (اعلام اشخاص)..... ۶۹۵
۲. مکان‌نامه (اعلام اماکن)..... ۷۱۵
۳. واژه‌نامه (کتاب و جراید)..... ۷۲۲
۴. کتاب‌نامه (فهرست منابع و مراجع کتاب)..... ۷۳۱

پیشگفتار

درباره‌ی تاریخ مشروطیت تاکنون پژوهش‌های بسیار و ارزشمندی انجام گرفته؛ اما تاریخ ادبیات مشروطه همچنان عرصه‌ای فراخ و نکاویده است و آنچه در باب سرآمدان شعر و ادب آن روزگار مانند ملک‌الشعرای بهار، میرزاده‌ی عشقی، ایرج میرزا، فرخی یزدی، نسیم شمال، علی‌اکبر دهخدا، لاهوتی و... به قلم آمده انگشت‌شمار بوده است. عارف قزوینی شاعر محبوب و مردمی عصر مشروطه نیز از این جریان برکنار نبوده و همین امر ضرورت تحقیق و اندیشه در این حوزه را ناگزیر کرده است.

عارف قزوینی در عمر کوتاهی که داشت پیش‌آمدهای مختلفی را از سر گذراند و با تمام ماجراها و پست و بلندی‌هایی که از محیط خانوادگی تا عرصه‌ی سیاست و ادبیات خواسته یا ناخواسته برای او رخ داد از او شاعری یکّه و تنها ساخت و با آن‌که بسیار مورد طعن و انکار سیاسیون عافیت‌جو و ادیبان سستی بود؛ اما همواره و تا واپسین لحظات زندگی، وطن‌پرستی صادق و بی‌ریا باقی ماند.

عارف دوره‌ی نوجوانی و جوانی خود را در دوران مظفرالدین‌شاه گذراند و با جهدی که در راه آزادی و مشروطه‌خواهی به خرج داد و مصائبی که دید، خود به تکه‌ای از تاریخ مشروطه بدل شد. او در طول ۵۴ سال زندگی، راه‌های بسیار پیمود شعر ساخت، تصنیف سرود و آواز خواند، و حتی خوش‌نویسی کرد و سرانجام موسیقی‌شناس و تصنیف‌سازی برجسته گشت؛ تا آنجا که حتی مخالفان او چون بدین اقلیم می‌رسیدند سپر انداخته و بی‌چون و چند، او را تصنیف‌سازی درخشان می‌شمردند.

در مورد زندگی و آثار عارف در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، هنری و ادبی به‌تفصیل در مقالات پیش‌رو سخن گفته شده و تکرار آن در این مجال بایسته نیست.

مجموعه‌ی حاضر که حاصل قریب ۱۰ سال جستجو و تحقیق درباره‌ی عارف است انتخابی‌ست از مقالات، گفتارها و گفت‌وگوهایی که درباره‌ی زندگی و سرنوشت‌های «یگانه شاعر ملی ایرلن» طی ۸۰ سال گذشته در کتاب‌ها و نشریات مختلف از دوران حیات عارف تاکنون - منتشر شده است. البته با کسب اجازه از نویسندگان مقالات.

بخشی از مقالات که پیش‌تر به چاپ رسیده بدون تغییر و بخشی دیگر برای طبع در مجموعه‌ی حاضر توسط مؤلفان گرامی بازنگریسته شده و پاره‌ای دیگر برای نخستین‌بار است که در این یادنامه به طبع سپرده می‌شود. این گفتارها شامل بررسی زندگی، شعر و تصنیف‌های عارف، جایگاه عارف در شعر و ادب عصر مشروطه، مناسبات عارف با معاصران و دوستی‌ها و دشمنی‌های متقابل و از جمله عیان شدن آنچه به مخاصمه‌ی او و ایرج میرزا کشید، خاطراتی از مشاهیر که با او دوستی، مکاتبه یا حشر و نشر داشته‌اند، سرنوشت چاپ آثار عارف در دوران حیات و پس از مرگ، سوگ‌سروده‌هایی برای عارف و حتی تنها گفتار مکتوبی که از جیران -خدمتکار با وفای عارف- برجای مانده است.

در ترتیب مقالات سعی بر آن بوده تا حد مقدور سیر زندگانی شاعر در چند بخش به تفکیک و برحسب توالی تاریخی رعایت شود. تعدادی از مقالات از نشریات و کتاب‌های دهه‌ی ۲۰ هجری شمسی برگزیده شده و علاوه بر غلط‌های چاپی، رسم‌الخطی متفاوت با آنچه امروز متعارف است دارد و ازین‌رو برای یکدست شدن متن کتاب، به صورت نوشتاری معیار درآمده؛ دیگر آن‌که بعضی تصنیف‌ها و شعرهای عارف به صورت‌های متفاوتی در مقالات آمده که ناگزیر آن‌ها را به همان شکل آوردیم. و از آنجا که ضبط برخی از این ابیات آشکارا نادرست بوده، تصحیح شده است. حجم بعضی از مقالات به ضرورت کوتاه شده و با علامت سه نقطه (...) مشخص شده و در چند مورد نیز کلمه یا جمله‌ای را به خاطر محدودیت‌ها و مصلحت‌ها با علامت قلاب و سه نقطه [...] نشان داده شده است. در مورد پانویشت مقالات باید خاطر نشان کرد که تمامی پانویشت‌های مقالات به همان شکل که نویسنده‌ی مقاله نگاشته، با اندک تغییرات ویرایشی (همچون جدانویسی‌ها، دو املائی‌ها، حذف کردن گیومه‌های اضافی...) آمده است. و اگر در صورت نیاز، نوشته‌ای به آن اضافه شده باشد آن را با نام گردآورنده مشخص کرده‌ایم. همچنین عنوان هر مقاله را با ستاره (*) نشان کرده و منبع آن را در پانویشت‌ها آورده‌ایم.

«سراینده‌ی رهایی ایران» که عنوان یادنامه بدان مُزین است از نام مقاله‌ی دکتر محمدعلی اسلامی‌ندوشن گرفته شده که این امر هم به پیشنهاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی صورت گرفت.

پیش‌تر مجموعه اسناد و تصاویری، نیز همراه با توضیحات و فهرست جداگانه برای این اثر در نظر گرفته و تنظیم شده بود؛ اما در هنگام چاپ (به جهت مشکلات چاپ و نشر) به ناگزیر از انتشار این بخش صرف‌نظر گردید. سرانجام امید است مجموعه‌ی حاضر مورد پسند و اقبال محققان و دوستداران ادبیات عصر مشروطه و به ویژه عارف قرار گیرد.

مهدی به‌خیال

همدان / زمستان ۱۳۹۴

سیری در زندگی و آثار

عارف در گذرگاه تاریخ*

محمدعلی سپانلو

کودکی و نوجوانی: ۱۲۵۸-۱۲۷۸ ه. ش. (= ۱۲۹۷-۱۳۱۷ ه. ق.).

- ابوالقاسم، فرزند ملا هادی وکیل.^۱

۱۲۵۸-۱۲۷۵:

- تولد در شهر قزوین.^۲

- آغاز تحصیلات مکتب‌خانه‌ای؛ فراگیری خواندن و نوشتن فارسی، مقدمات عربی و صرف و نحو.

- تعلیم خط نزد سه تن از اساتید فن در قزوین.

- تعلیم موسیقی و آواز نزد حاج سید صادق خرازی / ۷۱-۷۲.

- مشق روضه‌خوانی - به خواست پدر - نزد میرزا حسین واعظ / ۷۲-۷۵.

- پامنبری و نوحه‌خوانی در مجالس؛ اغلب مرثیه‌هایش را خود می‌سازد.

- رسماً معمم می‌شود و علی‌رغم وجود دو برادر بزرگ‌تر، پدرش او را وصی خود می‌کند.

* سپانلو، محمدعلی (و) اخوت، مهدی: دیوان عارف قزوینی، تهران، نگاه، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۱۱-۴۱.

۱. ظاهراً وکیل دعاوی در محاکم معمول زمان (محاکم شرع).

۲. از بین سه تاریخ متفاوت ۱۲۹۵، ۱۲۹۷ و ۱۳۰۰ ه. ق. که به ترتیب از سوی چایکین خاورشناس روس، محمدرضا هزار و رضازاده شفق، به‌عنوان تاریخ تولد او ذکر شده تاریخ ۱۲۹۷ (بین ۲۴ آذرماه ۱۲۵۸ تا ۱۳ آذرماه ۱۲۵۹ ه. ش.) با توجه به شرح زندگی‌اش و اشاراتی که در این مورد دارد از همه صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

۱۲۷۸-۱۲۷۶:

- مرگ پدر؛ قطع رابطه با خانواده و آغاز یک زندگی بی‌بندوبار/ ۷۶.
- برخورد با اولین عشق زندگی: خواستگاری و مخالفت خانواده‌ی دختر.
- عقد پنهانی: خشم خانواده‌ی دختر، فرار از قزوین و جدایی از معشوقه/ اواخر زمستان.
- اقامت در رشت؛ دوستی با درویشی به نام رفعت علیشاه و ساختن یکی دو شعر مشترک/ ۷۷.
- مجدداً دل به گروی عشقی دیگر می‌سپارد و اولین تصنیف زندگی خود را برای دختری ارمنی می‌سازد: «دیدم صنمی ...».
- برای دیدار معشوقه مخفیانه به قزوین باز می‌گردد، ولی پس از چند روز بستگان دختر مطلع شده دختر را به خارج شهر می‌فرستند/ اسفندماه.
- تلاش‌هایش برای دیدار یار بی‌نتیجه است، و این بی‌خبری مطلق روز به روز او را سرگشته‌تر و عصبی‌تر می‌کند تا بالاخره صبح یک‌شب نوش‌خواری ناگهان عازم تهران می‌شود/ اواخر بهار ۷۸.^۱

اقامت در تهران، شهرت، آشنایی با سیاست، ۱۲۷۶-۱۲۸۸ ه.ش.
(= ۱۳۱۷-۱۳۲۷ ه.ق.)

۱۲۷۸-۱۲۸۴:

- زندگی‌اش در محافل شبانه‌ی دوستان می‌گذرد؛ چند روز پس از ورود به تهران، در میهمانی منزل صدرالممالک، مورد توجه شاهزاده موثق‌الدوله قرار گرفته مجبور می‌شود به خدمت او درآید/ خرداد - تیرماه ۷۸.
- بین رجال و درباریان شهرت می‌یابد؛ از جمله طرف توجه مخصوص اتابک (صدراعظم) است و در اغلب بزم‌های او شرکت دارد.
- مظفرالدین‌شاه که آوازه‌ی هنر او را شنیده، به دیدنش ابراز تمایل می‌کند و قرار می‌شود او را به حضور اعلی‌حضرت ببرند.

۱. خود تاریخ این سفر را ۱۳۱۶ ه.ق. ذکر می‌کند که به نظر اشتباه می‌رسد؛ بنا به قرائن موجود این سفر در ماه‌های آغازین سال ۱۳۱۷ ه.ق. (= خرداد - تیرماه ۱۲۷۸ ه.ش.) انجام گرفته است.

- اتابک شبی او را به بزم ملوکانه می‌برد و صدای او را ضبط می‌کنند/ اواخر تابستان ۷۹.^۱

- شاه که آواز او را پسندیده دستور استخدام او را به‌عنوان فراش خلوت - در دربار می‌دهد؛ ولی او به هر حيله از پذیرش این شغل- به قول خودش «ننگین» سر باز می‌زند.

- شدیداً بیمار و دو ماه بستری می‌شود؛ پس از بهبودی خود را به هر حيله از شَر نوکری موثق‌الدوله نجات می‌دهد/ پاییز.

- از طریق دوستان ذی‌نفوذ، توصیه‌هایی از شاه و اتابک برای حاکم قزوین می‌گیرد و به این شهر می‌رود، تا شاید به کمک عمال حکومت معشوقه را قهراً به چنگ آورد.

- در قزوین در انجام این عمل دچار تردید می‌شود، چون آن را مغایر اصول اخلاقی خود می‌بیند.

- آشفته و ناآرام است و در این آشفتگی دست به عملی می‌زند که ممکن است به قیمت زندگی‌اش تمام شود: روز بیست و یکم ماه رمضان با هیأت و لباسی نامتناسب به مسجد شاه قزوین می‌رود، و موجب خشم و عکس‌العمل عزاداران می‌شود/ ۲۲ دی‌ماه.

- چند روز بعد-بالاخره تصمیم نهایی خود را می‌گیرد: بر تردید غلبه کرده، علی‌رغم عشق شدید، دختر را غیباً طلاق داده، بلافاصله و بی‌خبر با حالی نزار- عازم تهران می‌شود/ اواخر دی‌ماه.

- قطع علاقه‌ی کامل از قزوین؛ فقط سالی یک‌بار به دعوت دوستان و یا رسیدگی به امور مختصر علاقه‌ی ملکی- به این شهر می‌رود.

- آشنایی با سید باقرخان بانکی، از آزادی‌خواهان، و آغاز یک دوستی عمیق/ ۷۹-۸۰.

- به‌وسیله‌ی سید باقرخان با اغلب مشروطه‌خواهان آشنا شده با محافل آنان مراوده دارد.

۱. به نوشته‌ی دکتر باستانی‌پاریزی این صدای ضبط شده (بر روی استوانه‌های قدیمی گرامافون و با همراهی پیانوی مظفرالدین شاه قاجار) احتمالاً نزد کلکسیونر ناشناسی در انگلستان موجود است.

- با وجود شهرت روزافزون، به‌هیچ‌وجه هنرش را وسیله‌ی ارتزاق قرار نداده با درآمدی اندک در کمال قناعت و مناعت طبع گذران می‌کند.

- آشنایی با حیدرخان عمو اوغلی، در منزل سید باقرخان، که به یک دوستی پایدار و مؤثر می‌انجامد^۱ نیمه‌ی دوم سال ۸۲

- ملاقات با تاج‌السلطنه از دختران ناصرالدین‌شاه- در یک مهمانی، که بعدها به یک رابطه‌ی عاشقانه می‌انجامد؛ آشنایی در همان مجلس با نظام‌السلطان - از رجال درباری- که به جمع دوستان بزم‌های شبانه‌ی او می‌پیوندد/ اوایل بهار ۸۳

- ملاقات با درویش‌خان در مهمانی نظام‌السلطان در گلندوک- و دوستی و همکاری آینده؛ به همراه تار درویش‌خان می‌خواند و شور در مجلس می‌افکند؛ همان شب عشقی بین او و دختری از میهمانان پا می‌گیرد/ اواسط اردیبهشت‌ماه.

- چند روز بعد به تهران باز می‌گردد و مجدداً از سوی نظام‌السلطان به قریه‌ی جمال‌آباد شمیران دعوت می‌شود؛ دختر نیز از مدعوین است و دیدارهای خالی از اغیار به آتش عشق آن‌ها دامن می‌زند؛ چند روز بعد دختر به تهران بازمی‌گردد و به دلیل بروز وبا در این شهر به قزوین می‌رود؛ تاب دوری از معشوقه را نیاورده به بهانه‌ای به دنبال او می‌رود؛ در قزوین، دختر طی ماجرابی به دست یکی از عشاق شرور خود کشته شده و این داستان غم‌انگیز عاشقانه پایان می‌یابد و شاعر مجدداً به تهران باز می‌گردد/ خرداد - مهرماه.

۱۲۸۸-۱۲۸۴:

- آغاز جنبش مشروطه/ زمستان ۸۴

- صدور فرمان مشروطیت/ ۱۴ مردادماه ۸۵

- مرگ مظفرالدین‌شاه/ ۱۹ دی‌ماه.

- تاجگذاری محمدعلی‌شاه، بدون دعوت از نمایندگان مجلس/ ۲۹ دی‌ماه.

- غزل «شکنج طره» را برای معشوقه‌ی جدیدش، تاج‌السلطنه، می‌سازد/ ۸۶

۱. تاریخ این آشنایی را ۲۳ سال قبل از نگارش شرح احوال خود ذکر می‌کند. (۱۳۱۸ه.ق.) که به نظر صحیح نمی‌رسد، زیرا تاریخ اولین سفر حیدرخان به تهران، ماه شعبان ۱۳۲۱ه.ق. (= آبان ماه ۱۲۸۲ه.ش.) بوده است؛ ما نیز همین تاریخ را برگزیدیم، با این پیش‌فرض که در همان اوان این آشنایی صورت گرفته باشد.

- درگیری بین شاه جدید و مشروطه‌خواهان و افزایش تدریجی آن؛ بروز شورش‌ها و ناآرامی‌هایی در تبریز و تهران؛ مخالفت مطبوعات آزادی‌خواه با رویه‌های مستبدانه شاه.
- ترور اتابک صدراعظم انتصابی شاه، توسط عباس‌آقا تبریزی، در جلوی مجلس شورای ملی / ۹ شهریورماه ۸۶
- امضای توافق‌نامه‌ای بین روس و انگلیس، درباره‌ی تقسیم ایران به مناطق نفوذ (قرارداد ۱۹۰۷).
- هجوم اوباش به مسجد سپهسالار و مجلس شورای ملی، به تحریک محمدعلی‌شاه (فتنی توپخانه) / ۲۳ آذرماه.
- سوءقصد نافرجام به شاه، به طراحی حیدرخان عمواغلی / ۹ اسفندماه.
- کودتای شاه و به توپ بستن مجلس، به دست قزاقان کلنل لیاخوف روسی / ۲ تیرماه ۸۷
- اعلام حکومت نظامی؛ بستن مجلس و برچیدن انجمن‌های ایالتی و ولایتی؛ کشتار و قلع و قمع آزادی‌خواهان؛ تعطیل مطبوعات و دستگیری و قتل روزنامه‌نگاران؛ آغاز استبداد صغیر / ۳ تیرماه.
- آغاز جنبش مسلحانه تبریز، به حمایت از مشروطه، به سرکردگی ستارخان و باقرخان / ۷ تیرماه.
- سرایت جنبش تبریز به سایر نقاط کشور، شکست نیروهای دولتی در برابر آزادی‌خواهان و آزاد شدن تدریجی شهرها.
- مانند سایر آزادی‌خواهان در رنج است؛ کم و بیش اشعار سیاسی می‌سراید که امکان انتشار وسیع ندارد و تنها در محافل خصوصی و پنهانی آزادی‌خواهان خوانده می‌شود.
- رسیدن مجاهدان مشروطه‌خواه به تهران و شکست نیروهای دولتی از آنان؛ پناهندن محمدعلی‌شاه به سفارت روس و خلع او از سلطنت؛ اعلام سلطنت احمدشاه، ولیعهد خردسال وی، با نیابت عضدالملک قاجار / ۲۲-۲۷ تیرماه ۸۸.
- از نظر گرایش سیاسی به احتمال زیاد تحت تأثیر حیدرخان عمواغلی است.
- دو غزل سیاسی - میهنی «پیام آزادی» و «زنده‌باد»، و اولین تصنیف سیاسی خود «مژده ای دل که جانان آمد» را به مناسبت پیروزی آزادی‌خواهان می‌سراید.

- اولین کنسرت سیاسی خود را - به نفع حریق‌زدگان بازار- در منزل ظهیرالدوله برگزار می‌کند / ۲۸ مردادماه.
- آغاز آشنایی با افتخارالسلطنه، دختر دیگر ناصرالدین‌شاه، و سرودن تصنیف عاشقانه‌ی «افتخار همه آفاقی و منظور منی» برای او، در سفر رشت و طوالش.
- گشایش دومین دوره‌ی مجلس شورای ملی / ۲۴ آبان‌ماه.
- تأسیس حزب دموکرات ایران در تهران، به‌کوشش حیدرخان عمواوغلی / آبان - آذرماه.

درگیری در سیاست، سرخوردگی، مهاجرت ۱۲۸۹-۱۲۹۹ ه.ش.

(= ۱۳۲۷-۳۹ ه.ق.)

۱۲۸۹:

- تصنیف «تو ای تاج، تاج سر خسروانی» را برای تاج‌السلطنه می‌سازد.
- غزل «مرگ دوست» را به مناسبت خودکشی دوست خود، مرتضی‌خان بهشتی قزوینی، می‌سراید.
- درگذشت عضدالملک و انتخاب ناصرالملک قراغزلو به نیابت سلطنت / اول مهرماه.
- آشنایی با قدرت‌السلطنه، دختر دیگر ناصرالدین‌شاه.

۱۲۹۰:

- بازگشت محمدعلی میرزا به ایران - به تحریک و کمک روس‌ها- برای باز پس گرفتن تاج و تخت / ۲۶ تیرماه.
- تصنیف «دل هوس سبزه و صحرا ندارد» را برای تشجیع آزادی‌خواهان به ایستادگی می‌سازد.
- شکست شاه مخلوع از نیروهای دولتی و فرار وی از گمش‌تپه / ۷ آبان‌ماه.
- در تصنیفی برای قدرت‌السلطنه «نه قدرت که با وی نشینم» به شکست محمدعلی میرزا از نیروهای دولت مشروطه اشاره می‌کند.
- با اخترالدوله، یکی دیگر از دختران ناصرالدین‌شاه، آشنا می‌شود.
- افزایش تحریکات و تجاوزات روس و انگلیس در ایران و ورود نیروهای نظامی آن‌ها به شمال و جنوب کشور.

- تهدید روس‌ها مبنی بر این‌که اگر دولت ایران مشاور مالی جدیدالاستخدام خود -مورگان شوستر آمریکایی- و هیأت همراه وی را اخراج نکند با نیروهای خود به سمت تهران پیشروی خواهند کرد؛ همراهی انگلیس‌ها با آنان و خشم و انزجار مردم از این دخالت‌ها و تجاوزات.

- رد اولتیماتوم روس به اتفاق آرا در مجلس شورا/ ۱۰ آذرماه.

- پیشروی روس‌ها به سمت تهران؛ هیجان فوق‌العاده‌ی مردم و برپایی تظاهرات مختلف برعلیه دول استعمارگر روس و انگلیس/ ۱۲-۱۵ آذرماه.

- تصنیف «نگ آن خانه که مهمان ز سر خوان برود» را به حمایت از شوستر می‌سازد/ ۱۴ آذرماه.

- در کنسرت پرهیجانی - در تئاتر باقرآف تهران- آن را می‌خواند و اغلب تماشاچیان به گریه می‌افتند.

- اخطار سفارت روس و تهدید به اشغال تهران؛ مخالفت مجدد مجلس با اولتیماتوم آن‌ها/ ۲۵-۲۹ آذرماه.

- جنگ روس‌ها با مجاهدین و کشتار آن‌ها در تبریز و رشت و انزلی؛ پذیرش اولتیماتوم از سوی دولت؛ پایان دوره‌ی دوم قانون‌گذاری/ ۳۰ آذرماه.

- بمباران تبریز توسط نظامیان روس و تصرف ساختمان‌های دولتی/ ۲ دی‌ماه.

- تعطیل مجلس و بیرون کردن نمایندگان ملت؛ انحلال انجمن ایالتی تبریز؛ منع اجتماعات و توقیف روزنامه‌ها به دستور ناصرالملک/ ۲ دی‌ماه.

- ابلاغ برکناری شوستر؛ تظاهرات دموکرات‌ها در بازار تهران/ ۳ دی‌ماه.

- کُشت و کُشتار روس‌ها در تبریز و کوچیدن مجاهدان از این شهر/ ۵ دی‌ماه.

- دار زدن ثقة‌الاسلام و هفت نفر دیگر از آزادی‌خواهان تبریز به دست روس‌ها/ ۱۰ دی‌ماه.

- تصنیف «از خون جوانان وطن لاله دمیده» را به یاد این شهدای راه آزادی می‌سازد (به گفته‌ی خود او حیدرخان به این تصنیف علاقه‌ی فراوان داشته است).

- خروج شوستر از ایران/ ۲۰ دی‌ماه.

- موافقت اجباری دولت ایران با قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس؛ آغاز نهضت ملی جنگل، به سرکردگی میرزا کوچک‌خان، برعلیه سیاست‌های تجاوزکارانه‌ی روس و انگلیس/ بهمن‌ماه.

- خروج محمدعلی میرزا از ایران و بازگشت مجدد وی به خاک روسیه / ۱۹ بهمن‌ماه.

۱۲۹۱-۳:

- غزل «عهد با جانان» را به مناسبت انتحار دوست نزدیک خود، محمد رفیع‌خان؛ و در رثای او می‌سازد/ بهار ۱۲۹۱.^۱

- سفر طولانی مدت ناصرالملک نمایب السلطنه - به اروپا/ تابستان.

- تصنیف شدیدالحن «گریه را به مستی بهانه کردم» را در انتقاد از ناصرالملک و دیکتاتوری او می‌سازد.^۲

- مراجعت نایب السلطنه از اروپا/ مهرماه ۱۲۹۲.

- ناصرالملک دستور دستگیری او را می‌دهد، ولی او که قبلاً مطلع شده به اصفهان می‌گریزد و مدتی بعد که موضوع فراموش می‌شود به تهران باز می‌گردد/ آبان - بهمن‌ماه.

- چند روز بعد، در نمایش خیریه‌ای برای تأسیس مدرسه‌ی احمدیه در پارک ظل‌السلطان، غزل «بیداری دشمن - غفلت دوست» را می‌خواند، که در آن اشاره‌ای انتقادی به سپهدار - نخست‌وزیر وقت - دارد؛ در بازگشت از کنسرت توسط گماشتگان سپهدار مضروب شده مدتی بستری می‌شود.

- پس از انعکاس بد این عمل زشت در بین مردم، سپهدار وانمود می‌کند از ماجرا بی‌اطلاع بوده و درصدد دلجویی از شاعر بر می‌آید.

- تاجگذاری سلطان احمدشاه قاجار و پایان نیابت سلطنت ناصرالملک / ۹ مردادماه سال ۱۲۹۳.

۱. به نوشته‌ی خودش، محمد رفیع‌خان در هنگام ماجرای شوستر (ذیحجه ۱۳۲۹ - محرم ۱۳۳۰ ه.ق.) زنده بوده، بنابراین، برخلاف آنچه خود وی در شرح شعر نوشته تاریخ این خودکشی بهار سال ۱۳۳۰ ه.ق. (= ۱۲۹۱ ه.ش.) بوده و احتمالاً اشتباه کرده است.

۲. تاریخ سرودن این تصنیف را ۱۳۲۸ ه.ق. (بعد از انتخاب ناصرالملک به نیابت سلطنت و قبل از آمدن او به ایران) ذکر کرده‌اند ولی اشاره صریحی که خود، در شرح واقعه‌ی پارک ظل‌السلطان و کتک خوردن از گماشتگان سپهدار، به این موضوع می‌کند نشان می‌دهد که احتمالاً ماجرا مربوط به سفر دو سال بعد ناصرالملک به اروپا بوده است (که به نظر منطقی‌تر هم می‌رسد، چرا که این بار دلایل متعددی برای مخالفت عارف با ناصرالملک - از جمله ماجرای شوستر - وجود داشته است)؛ بدین ترتیب اشاره‌ای را هم که به پیرم دارد باز باید ناشی از اشتباه بدانیم، چرا که مدتی قبل از این تاریخ پیرم در غرب کشور - در جنگ با نیروهای شعاع السلطنه برادر محمدعلی شاه - کشته شده است.

- آغاز جنگ بین‌المللی اول / ۱۰ مردادماه.
- اعلان بی‌طرفی ایران در جنگ / ۱۰ آبان‌ماه.
- گشایش دوره‌ی سوم مجلس شورای ملی / ۱۴ آذرماه.
- آغاز دوستی با ملک‌الشعرا بهار، که از نمایندگان فعال حزب دموکرات در مجلس است.
- تقسیم منطقه‌ی بی‌طرف ایران بین روس و انگلیس (قرارداد ۱۹۱۸) / اسفندماه.

:۱۲۹۴

- چند ماه پس از شروع جنگ، نیروهای متخاصم یکی پس از دیگری از مرزهای مختلف گذشته، علی‌رغم اعلان بی‌طرفی ایران، خاک این کشور را به صحنه‌ی رویارویی خود تبدیل می‌کنند.
- پایان دوره‌ی سوم مجلس قانون‌گذاری، به دنبال پیشروی نیروهای بیگانه به سمت تهران / ۱۲ آبان‌ماه.
- مهاجرت عده‌ای از نمایندگان مجلس و آزادی‌خواهان، از تهران به قم / ۲۴ آبان‌ماه.
- عقب‌نشینی تدریجی مهاجرین و حکومت موقتی به‌سوی خاک عثمانی (اصفهان... همدان... کرمانشاهان) به دنبال پیشروی نظامیان روس.
- رنجش از بهار، بر سر ساختن شعری مشترک، برای تصنیفی که به خواست شاه و اصرار درباریان قرار بوده است برای جشن سالگرد تاجگذاری آماده کند / اواسط آذرماه.
- در کنسرت پرشوری در تئاتر باقرآف، غزل سیاسی «لباس مرگ» را می‌خواند و چند روز بعد به‌قصد پیوستن به مهاجرین روانه‌ی کرمانشاه می‌شود / ۲۸ آذرماه.
- اوایل دی‌ماه.
- تشکیل «حکومت موقت ملی جدید» در کرمانشاه، به ریاست نظام‌السلطنه مافی / ۱۰ دی‌ماه.
- پیشروی نیروهای روس به سمت کرمانشاه و عزیمت مهاجرین به‌سوی عراق / بهمن‌ماه.
- اشغال کرمانشاه توسط نظامیان روس / ۲۴ بهمن‌ماه.
- در قصرشیرین دوست و همسفرش، عبدالرحیم‌خان، خودکشی می‌کند؛ غزل

«جور» را در رثای او می‌سازد/ بهمن - اسفندماه.

- روح حساس او این فاجعه را تاب نیاورده شدیداً بیمار می‌شود و چند روز بعد نظام‌السلطنه او را جهت معالجه به بغداد می‌فرستد/ اسفندماه.

:۱۲۹۵

- گرفتار افسردگی شدید روحی است؛ حیدرخان در بغداد مراقبت از او را به عهده گرفته است سعی می‌کند با استفاده از نفوذ کلام خود و اعمال شیوه‌های روان‌شناسی مدرن، مجدداً میل به آواز خواندن، زندگی و مبارزه را در او بیدار کند.

- برای تقویت احساسات میهن‌پرستانه‌اش، حیدرخان چند بار او را به تماشای ایوان مداین برده، مجد و عظمت گذشته‌ی ایران را به وی یادآوری می‌کند، شعر «دیدار طاق کسری» یادگار یکی از این دیدارهاست.

- تصرف مجدد کرمانشاه توسط سپاهیان عثمانی/ اوایل تابستان.

- بهبود بیماری و مراجعت از بغداد؛ در کرمانشاه، به دلیل مضیقه‌ی شدید مالی، مجبور می‌شود علی‌رغم میل باطنی مانند سایر مهاجرین از کمک‌های مالی متحدین استفاده کند.

- افسردگی روحی‌اش ادامه دارد؛ زودرنج و حساس‌تر شده و از حکومت موقت ملی و مهاجرین شدیداً سرخورده است.

- حمله‌ی نیروهای عثمانی به همدان و عقب‌نشینی روس‌ها/ اواخر مردادماه.

- مازور پسیان (کلنل بعدی) با ژاندارم‌های تحت فرمان خود از مدت‌ها پیش در منطقه است و با نظامیان اشغالگر روس می‌جنگد.

- تشکیل کمیته‌ی مجازات در تهران، به‌منظور ترور رجال وابسته به بیگانه/ شهریورماه.

- انقلاب بورژوا - دموکراتیک در روسیه و براندازی سلطنت استبدادی خاندان رومانوف/ ۸ اسفندماه.

- عقب‌نشینی ترک‌ها از همدان و تصرف این شهر و مناطق اطراف آن توسط روس‌ها/ ۱۲ اسفند.

- آشنایی با مازور محمد تقی خان پسیان - احتمالاً - که به همراه نیروهای متحدین به کرمانشاه آمده است.

- شکست نیروهای ترک در کرمانشاه عقب‌نشینی آن‌ها و پایان کار مهاجرت؛ به هم پیوستن نیروهای روس و انگلیس در عراق / ۲۰ اسفندماه.

۱۲۹۶:

- توقفی کوتاه در قصر شیرین و عزیمت به کرکوک و حلب، به همراه مهاجرین / فروردین‌ماه.

- عزیمت با قطار، از حلب به استانبول، در معیت نظام‌السلطنه / اردیبهشت‌ماه.

- روز بعد از رسیدن به استانبول تغییر لباس داده مگلا می‌شود.^۱

- آشنایی با میرزاده‌ی عشقی - احتمالاً - که از همدان برای پیوستن به مهاجرین به استانبول آمده است.

- آشنایی با رضازاده شفق، دانشجوی جوانی که شدیداً به او ارادت می‌ورزد؛ این آشنایی به دوستی عمیقی منجر شده تا پایان عمر شاعر ادامه می‌یابد.

- پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه^۲ / ۳ مهرماه.

- همچنان در مضيقه مالی است و با عسرت زندگی می‌کند.

- تصنیف «اتحاد اسلام» را، تحت تأثیر تبلیغات ترک‌ها که داعیه‌ی رهبری جهان اسلام را دارند، می‌سازد / نیمه دوم سال.

- قصیده‌ی شدیدالحنی با مطلع «ز من بگو به سلیمان‌نظیف تیره ضمیر» را در پاسخ به مقالات هتاکانه یکی از پان‌ترکیست‌ها می‌سازد^۳ / نیمه دوم سال.

۱۲۹۷:

۱. به نوشته‌ی رضاعلی دیوان‌بیگی [سفر مهاجرت] این کار را ظاهراً برای اجتناب از رعایت رسوم دست و پاگیر آخوندی انجام داده است.

۲. به نوشته‌ی حبیبی آیین‌پور (از صبا تا نیما) عارف بدون آگاهی از معنی و اهمیت تاریخی این انقلاب با حرارت فوق‌العاده از آن جانب‌داری می‌کند.

و هم، از این تاریخ به بعد است که واژه‌هایی کلیشه‌ای از قبیل «رنجبر»، «کارگر»، «سرمایه‌دار» و غیره در اشعارش به چشم می‌خورد، و در شعر «عدل مزدک» شدیداً به انوشیروان می‌تازد. (علی‌رغم حالت ستایش توأم با افتخاری که همیشه نسبت به پادشاهان باستانی ایران دارد و احتمالاً به پیروی از عقیده‌ی رایج زمان، که مزدکیسم را به غلط نوعی سوسیالیزم ایرانی می‌داند).

۳. به دنبال اعتراض نمایندگان ایران در پاریس، نسبت به تجاوزات مرزی حکومت عثمانی، سلیمان‌نظیف که از رجال طرفدار فرقه‌ی پان‌ترکیست (ترک‌اجاقی) و از نویسندگان معروف ترک بوده طی سلسله مقالاتی در روزنامه‌ی حادثات استانبول، شدیداً نسبت ایران و ایرانیان هتاک می‌کند.

- اشغال تبریز توسط نظامیان عثمانی، در اجرای نقشه‌ی «اتحاد ترک» در لوی «اتحاد اسلام»/ تیرماه.

- تصنیف «شاهناز» را در همین ارتباط ساخته به اشغالگران ترک می‌تازد.
- کشور در آتش جنگ و ناامنی می‌سوزد و نیروهای متجاوز خارجی، هر یک از سویی وارد خاک ایران شده شهرهایی را متصرف شده‌اند؛ دولت‌ها اغلب دست‌نشانندگان خارجی هستند و در این سو و آن سو گردنکشان با سوءاستفاده از ناتوانی دولت مرکزی به قتل و غارت مردم بی‌گناه مشغولند؛ و بالاخره آزادی‌خواهان و میهن‌دوستان نیز در اعتراض به وضع موجود، اغلب در جنبش‌های ضد امپریالیستی گردآمده به مبارزه مسلحانه روی آورده‌اند؛ (نهضت جنگل در گیلان و مازندران، جنبش دموکرات‌ها در تبریز و...).

- تشکیل دولت وثوق‌الدوله / ۱۴ مردادماه.

- دستگیری، اعدام و تبعید اعضای «کمیته‌ی مجازات» / ۳ شهریورماه.
- پس از شنیدن خبر اعدام (دار زدن) «حسین‌خان لّله» از اعضای کمیته‌ی - مجازات که از دوستان نزدیک اوست، با تأثر شدید غزل «آرزو» را در رثای او می‌سازد/ اوایل پاییز.

- بیرون رفتن سپاهیان ترک عثمانی از آذربایجان / ۱۰ آذرماه.
- دور از وطن و از سر دلتنگی، غزل پرشور «یاد وطن» را در استانبول می‌سازد.

۱۲۹۸:

- تسلیم یادداشت دولت شوروی به ایران، مبنی بر تعیین اصول سیاست جدید آن دولت در ایران / ۲۶ خردادماه.

- بازگشت به ایران، از مسیر قفقاز (به دلیل جنگ و ناامنی در آذربایجان) / اوایل تابستان.

- آشنایی با علی بیرنگ در رشت، که در آینده به دوستی عمیقی می‌انجامد.

- به یادگار مراجعت مهاجرین، غزل «کوی میکده» را می‌سراید.

- عقد قرارداد تحت‌الحمايگی ایران، بین انگلستان و دولت وثوق‌الدوله (قرارداد ۱۹۱۹) / ۱۸ مردادماه.

- سفر سلطان احمدشاه قاجار به اروپا / ۲۰ مردادماه.

- مانند سایر وطن‌پرستان، به مخالفت با این قرارداد و دولت سرسپرده‌ی

و ثوق الدوله پرداخته اشعاری از جمله غزل «ناله‌ی مرغ» را در این باره می‌سراید.

- اولین کنسرت خود را - پس از پایان مهاجرت - در تئاتر باقرآف تهران اجرا می‌کند؛ در این کنسرت غزل‌های «یاد وطن»، «خوش آن زمان» و «ناله‌ی مرغ» را می‌خواند.

- بلافاصله پس از اجرای کنسرت به اصفهان عزیمت می‌کند / اواخر شهریورماه.^۱
- بین راه تهران به اصفهان - در مورچه‌خورت - تصنیف «رحم ای خدای دادگر» را می‌سازد.^۲

- مدتی در اصفهان اقامت می‌کند و آزادی‌خواهان این شهر مقدمش را گرامی می‌دارند / نیمه‌ی دوم سال.

- سفر مهاجرت او را از نظر سیاسی شدیداً سرخورده کرده است.
- غزل «سپاه عشق» را احتمالاً در همین سفر سروده است؛ شعری که بعدها پس از اجرا در کنسرتی در مشهد - موجب رنجش شدید ایرج میرزا و ساختن «عارف‌نامه» شد.

۱۲۹۹:

- خودکشی یکی از افسران میهن‌پرست، و منشی هیأت مستشاران انگلیسی، (کلنل فضل‌الله‌خان آق‌اولی) در اعتراض به قرارداد استعماری ۱۹۱۹ / اول فروردین‌ماه.

- آغاز قیام ملی آذربایجان، به رهبری شیخ محمد خیابانی، بیرون کردن افسران سوئدی از نظمیه‌ی تبریز و به دست گرفتن اداره‌ی شهر توسط دموکرات‌ها / ۱۷ و ۲۱ فروردین‌ماه.

- پایان اقامت در اصفهان و عزیمت به اراک / اواخر فروردین‌ماه.

- تصنیف «آذربایجان» را در پاسخ به وثوق الدوله، که آذربایجان را «عضو فلیج ایران» خوانده بود می‌سراید (احتمالاً در اراک) / اردیبهشت‌ماه.

۱. بعد از کشته شدن کلنل پسیان سفرهای عارف همه از سر بی‌قراری و غم‌زدگی است، می‌رود تا شاید در جایی آرام بگیرد؛ ولی قبل از آن، اغلب سفرها - و از جمله این سفر - نوعی فرار سیاسی است، و به دنبال مخالفت با حکومت وقت که حیطه‌ی اقتدارش معمولاً تا پشت دروازه‌های تهران است (به خلاف شهرت و محبوبیت شاعر که ایران‌گیر است و در همه‌جا قدر می‌بیند و بر صدر می‌نشیند).

۲. این تصنیف را بعدها تغییر داده به تصنیفی بر علیه قاجاریه و سلطان احمدشاه تبدیل می‌کند.

- مراجعت سلطان احمدشاه قاجار از اروپا؛ وی ضمن این سفر مخالفت خود را با قرارداد ابراز می‌دارد، و دولت استعماری انگلیس را خوش نمی‌آید، ولی در فرانسه مردم از او به‌مانند یک قهرمان استقبال می‌کنند/ ۱۲ خردادماه.
- سقوط کابینه‌ی وثوق‌الدوله/ ۳۱ خردادماه.
- تشکیل دولت مشیرالدوله/ ۱۳ تیرماه.
- خروج مستشاران انگلیسی از تهران/ ۲۶ تیرماه.
- تعیین مخبرالسلطنه هدایت به استانداری آذربایجان و حرکت او به سمت تبریز/ ۳۰ مردادماه - ۲ شهریورماه.
- ورود نیروهای دولتی به تبریز/ ۲۰ و ۲۱ شهریور.
- کشته شدن خیابانی و پایان قیام آذربایجان/ ۲۲ شهریورماه.
- سفری از اراک به قزوین طبق معمول همه‌ساله.
- به‌کوشش رضازاده شفق مقداری از اشعار پراکنده‌اش جمع‌آوری می‌شود/ زمستان.
- کودتای سید ضیاء و رضاخان؛ نخست‌وزیری سید ضیاء/ اسفندماه.

امید، شکست و نومیدی، آوارگی: ۱۳۰۰-۱۳۰۴ ه. ش. (= ۱۳۳۹-۱۳۴۴ ه. ق.).
۱۳۰۰:

- دستگیری قوام‌السلطنه والی مقتدر خراسان، توسط کلنل پسیان به دستور سید ضیاء، و اعزام او به تهران/ ۱۳ فروردین‌ماه.
- عوامل کودتا سعی دارند با دستگیری بعضی رجال مشهور به وابستگی با بیگانگان؛ و برخی اصلاحات ظاهری و سیاست‌های عوام‌فریبانه - از جمله القای قرارداد ۱۹۱۹ - به دولت خود رنگ ملی و طرفداری از محرومان بدهند و تا اندازه‌ای هم در این راه موفق می‌شوند.
- مراجعت از اراک به تهران/ بهار.
- انتشار روزنامه‌ی آزادی‌خواه قرن بیستم به مدیریت میرزاده‌ی عشقی/ ۱۶ اردیبهشت‌ماه.
- تحت تأثیر اعمال به‌ظاهر ملی سید ضیاء او را فردی صالح و مخالف با اشراف فاسد تصور کرده از کابینه‌ی او طرفداری می‌کند.

- روابط دو عامل مهم کودتا، یعنی سید ضیاء و رضاخان، رو به تیرگی می‌رود.
- تظاهرات مردم در مسجد شاه تهران، در مخالفت با دولت که «به کابینه‌ی سیاه» معروف شده است، به طراحی عوامل رضاخان/ ۳ خردادماه.
- سقوط دولت سید ضیاء و عزیمت او به بغداد؛ هم‌پیمان سابقش رضاخان او را تحت‌الحفظ تا مرز همراهی می‌کند/ ۴ خردادماه.
- آزادی اشراف زندانی (که ظاهراً اغلب آن‌ها قرار بوده است اعدام شوند) و انتصاب بلافاصله‌ی قوام‌السلطنه به نخست‌وزیری/ ۱۴ خردادماه.
- گشایش مجلس چهارم قانون‌گذاری/ اول تیرماه.
- آغاز قیام کلنل پسیان در خراسان، به دنبال کینه‌جویی و توطئه‌چینی‌های قوام بر علیه او/ خردادماه - تیرماه.
- نطق لرد کرزن، وزیر امور خارجه انگلستان، در مجلس عوام این کشور و انتقاد از دولت ایران در مورد ردّ قرارداد ۱۹۱۹/ ۵ مردادماه.
- او که با عقاید میهن‌پرستانه‌ی کلنل از دوران مهاجرت آشناست، با امیدواری فراوان برای پیوستن به نهضت خراسان عازم مشهد می‌شود؛ پس از ورود مورد استقبال کلنل قرار گرفته به‌عنوان میهمان در منزل او (باغ خونی) اقامت می‌کند.
- برخلاف همیشه از روحیه‌ی خوب و امیدوارانه‌ای برخوردار است، و به‌عنوان یکی از مشاوران نزدیک رهبر قیام در راه تحقق آرمان‌های وی صمیمانه تلاش می‌کند.
- چند روز پس از ورود، در باغ ملی مشهد با ایرج میرزا برخورد سردی می‌کند، که او را سخت می‌رنجاند.
- به دستور کلنل، و برای تأمین هزینه‌ی ساخت آرامگاه فردوسی، کنسرتی در باغ ملی مشهد برگزار می‌کند که در آن غزل «سپاه عشق» و تصنیف «رحم ای خدای دادگر» را می‌خواند؛ لحن تند این اشعار در حمله به قاجاریه تمام شاهزادگان حاضر در جلسه، از جمله ایرج، را ناراحت می‌کند، که از جلسه خارج شده همان شب شروع به ساختن عارف‌نامه می‌کند.
- فردای آن روز مقداری از عارف‌نامه تکثیر شده در شهر توزیع می‌شود؛ این اشعار عارف را شدیداً ناراحت می‌کند، ناراحتی که تا پایان عمر فراموش نمی‌شود./ مرداد - شهریورماه.

- انتشار نخستین شماره‌ی روزنامه‌ی آزادی‌خواه طوفان به صاحب‌امتیازی فرخی یزدی/ ۲ شهریورماه.

- سرودی برای مارش ژاندارم‌های کلنل می‌سازد.

- برای دیدار دوستی (سلطان محمدخان کاظمی، از افسران قیام) به قوچان می‌رود/ مهرماه.

- کشته شدن حیدرخان عمواوغلی در گیلان/ ۷ مهرماه.

- افراد بجنورد به تحریک قوام سر به شورش بر می‌دارند و کلنل شخصاً به مقابله‌ی آن‌ها می‌رود.

- کشته شدن کلنل در جبهه‌ی جنگ (پس از مرگ با قساوت سر او را از قفا می‌برند)/ ۱۲ مهرماه.

- بازگشت عارف از سفر قوچان، با رسیدن خبر شهادت کلنل به مشهد هم‌زمان می‌شود/ ۱۵ مهرماه.

- از شدت تأثر در آستانه‌ی جنون است؛ امیدهای او درباره‌ی نجات و پیشرفت کشور، همه در وجود کلنل متبلور شده بود، که با این فاجعه یک‌باره نقش برآب می‌شود.

- در مراسم تشییع جنازه باشکوه کلنل، که از سوی مردم مشهد برگزار می‌شود، گریبان چاک و بر سرزنان از صاحبان اصلی عزاست؛ رباعی معروف او «این سر که نشان سرپرستی است»، را بر پارچه سفیدی نوشته، چون هاله‌ای بر گردآگرد سر بریده الصاق کرده‌اند؛ جنازه را با تشریفات کامل نظامی به آرامگاه نادرشاه برده و در آنجا دفن می‌کنند/ ۱۷ مهرماه.

- بعد از پایان مراسم، امید باخته و غمگین به خانه رفته در به روی همه می‌بندد؛ چند صبحی در مشهد می‌ماند و سپس از این شهر خارج می‌شود/ اواخر مهرماه.^۱

- از این به بعد دوران ناآرامی و دربه‌دری او آغاز می‌شود؛ سرگشته، بی‌قرار، زودرنج و عصبی است و در هیچ کجا بیش از مدت کوتاهی آرام نمی‌گیرد. می‌گوید:

۱. در مراسم چهل‌م کلنل هیچ نشانی از عارف در مشهد نیست و چون بعید است که در صورت بودن در این شهر در مراسم شرکت نکرده باشد، می‌توان حدس زد که از آنجا خارج شده باشد.

کسم به شهر نینند شدم بیابان گرد
ز غصه‌ی کلنل و ز غم خیابانی

- پایان نهضت جنگل و شکست و پراکنده شدن مبارزان آن/ مهر - آبان ماه.
- دولت مرکزی بر خراسان مسلط می‌شود و به دستور قوام قبر کلنل را نبش کرده جنازه‌ی او را از آرامگاه نادر خارج می‌کنند/ ۱۳ آبان ماه.^۲
- با وجود بر سر کار بودن دولت قوام و آنچه بین آن‌ها گذشته، بودنش در تهران متعسر است؛ بنابراین پس از خروج از مشهد ظاهراً چندی در شهرهای مسیر راه می‌ماند.
- کشته شدن میرزا کوچک‌خان و هم‌رزم آرمان‌گرا و باوفایش، گائوک آلمانی، در اثر سرمازدگی در کوهستان‌های طالش (سواران مزدور طالشی سر او را نیز بریده در رشت نمایش می‌دهند)/ ۱۲ آذرماه.
- ورود مخفیانه به تهران (ظاهراً در منزل علی بیرنگ اقامت می‌کند)/ آذرماه.
- در دوران اختفا، غزل «سر و همسر» را در رثای کلنل می‌سازد/ ۲۴ آذرماه.
- قیام مازور لاهوتی و ژاندارم‌های تبریز و تقاضای اصلاحات ملی؛ شکست قیام/ ۱۹-۱۲ دی ماه.
- استعفای دولت قوام‌السلطنه، به دلیل اصلی بالا گرفتن اختلافات با سردار سپه/ ۲۹ دی ماه.
- تشکیل دولت مشیرالدوله/ ۱ بهمن ماه.
- رضاخان سردار سپه در این کابینه نیز، با در دست داشتن مقامات کلیدی، فعال مایشاء است.
- سفر دوم احمدشاه به فرنگ، علی‌رغم مخالفت آزادی‌خواهان و وضعیت حساس و بحرانی کشور/ ۵ بهمن ماه.
- با سقوط کابینه‌ی قوام دیگر دلیلی برای پنهان بودن وجود ندارد.

۱. جسد کلنل در طول ۳۰ سال چند بار دیگر جابه‌جا شد، تا بالاخره در [سال] ۱۳۲۹ ه. ش. در باغ آرامگاه نادر آرام گرفت؛ عارف در مورد این عمل قوام‌السلطنه می‌گوید:

به قرن نیست، زن مرد کش سپس نباش
برو زن، آتش ننگت به دودمان گیرد...

به قرن نیست، زن مرد کش سپس نباش

- در سوگ کلنل، کنسرت پرشوری با ارکستر شکرالله خان، در تئاتر باقرا ف تهران اجرا می‌کند و در آن غزل‌های «قحط الرجال» و «خونخواهی» و تصنیف «گریه کن» را می‌خواند/ اسفندماه.

۱۳۰۱:

- کناره‌گیری مشیرالدوله از نخست‌وزیری، علی‌رغم تمایل مجلس (و باز به دلیل اختلافات با سردار سپه) / ۲ خردادماه.

- چون مجدداً شایعه صدارت قوام قوت گرفته، دعوت یکی از خوانین کرد -حشمت‌الملک- را پذیرفته به همراه او عازم کردستان می‌شود / ۳-۲ خردادماه.

- ظاهراً در راه این سفر، مدتی هم در قزوین توقف می‌کند.

- بروز ناآرامی‌هایی در کردستان به سرمداری اسماعیل آقا سیمتقو.

- ورود به همدان و اقامت در منزل کلنل اسماعیل خان بهادر، از یاران نزدیک کلنل پسیان.

- روز بعد به دره‌ی مرادبیگ رفته از همان‌جا گرفتار مالاریای سختی می‌شود که حدود دو هفته بستری‌اش می‌کند.

- در دوران بیماری بین او و طیب معالجش بدیع‌الحکما همدانی- دوستی عمیقی ایجاد می‌شود که تا پایان عمر شاعر ادامه می‌یابد.

- بهبود نسبی بیماری و عزیمت به کردستان (علی‌رغم احمدخان امیرلشکر فرماندهی نظامی منطقه- که از بیم پیوستن او به اکراد شورشی، سعی در نگاه داشتن او در همدان دارد).

- ورود به سراقحط، از دهات کردستان؛ تنها و دور از آبادی در یک چادر منزل می‌کند / ۲۲ خردادماه.

- تشکیل کابینه‌ی جدید قوام‌السلطنه / ۲۶ خردادماه.

- عود بیماری و عدم دسترسی به دکتر و دارو، که مجدداً برای مدتی او را از پا می‌اندازد.

- خودکشی حبیب‌الله خان میکده، افسر ژاندارمری و فرزند جوان یکی از دوستان شاعر، در اراک / ۸ تیرماه.

- علی‌رغم روابط نزدیک ملک‌الشعرا بهار با قوام‌السلطنه، روابط دو شاعر مجدداً بهبود یافته با یکدیگر مکاتبه دارند؛ در نامه‌ی بهار از این خودکشی مطلع شده تأثیر شدید بیماری‌اش را شدت می‌بخشد.

- غزل «از زبان پدر» را بدین مناسبت می‌سراید.
- از سرباقحط به سنندج و از آنجا به کان‌شفا یکی از ییلاقات اطراف - می‌رود؛ و همچنان مردم‌گریز و تنها حدود یک ماه در یک چادر قلندری زندگی می‌کند/ اوایل مردادماه.
- تصنیف معروف «ای دست حق پشت و پناهت بازآ» را در طرفداری از سید ضیاء می‌سازد.
- بعد از شنیدن خبر عزیمت رضازاده شفق به اروپا، غزل «پند ناصح» را درباره‌ی فجایع نظامیان روس در تبریز (دی‌ماه ۱۲۹۰) می‌سازد.
- بعد از مراجعت به سنندج، غزل «گریه» را در رثای کلنل ساخته به تهران می‌فرستد و ماه بعد در روزنامه چاپ می‌شود/ ۹ شهریورماه.
- آشنایی و دوستی با شیخ محمد آیت‌الله، از روحانیون آزادی‌خواه و منورالفکر کردستان.
- نوشتن شرح حال خود را، برای چاپ در مقدمه‌ی دیوانش آغاز می‌کند.^۱
- بازگشت شاه از سفر دوم اروپا/ ۲۷ آذرماه.
- سقوط دولت قوام به دنبال استیضاح مجلس/ ۵ بهمن‌ماه.
- تشکیل دولت مستوفی‌الممالک/ ۱۰ بهمن‌ماه.
- مراجعت از کردستان.
- دوره‌ی مجلس چهارم رو به پایان است؛ غزل سیاسی «دزد انتخاب مکن» را به مناسبت انتخابات دوره‌ی جدید مجلس می‌سازد/ ۲۲ بهمن‌ماه.

۱۳۰۲:

- غزل «صدای ناله‌ی مظلوم» را باز هم درباره‌ی انتخابات می‌سازد/ نوروز.
- آغاز انتخابات دوره‌ی پنجم قانون‌گذاری/ ۱۲ فروردین‌ماه.
- برگزاری کنسرتی در «تئاتر باقرآف» که در آن غزلی با مطلع «برای این که مگر از تو دل نشان گیرد» و تصنیف «ای دست حق...» را به طرفداری از سید ضیاء می‌خواند./ ۲۰ فروردین.
- احتمالاً کنسرت دیگری نیز - به بهانه‌ی چاپ دیوانش در برلین - در گراند هتل

۱. رضازاده شفق، دانشجوی جوان کالج آمریکایی استانبول، که ظاهراً از سفر مهاجرت با عارف سابقه‌ی دوستی پیدا کرده با تلاش فراوان اشعار پراکنده‌ی او را جمع‌آوری و کار این دیوان را سروسامان می‌دهد.

تهران برگزار کرده در آن غزل‌های «صدای ناله‌ی مظلوم» و «دزد انتخاب مکن» را اجرا می‌کند.

- نوشتن شرح حال خود را به پایان رسانیده همراه با شرح کوتاهی برای هر یک از اشعارش، برای چاپ به برلین می‌فرستد / ۲۵ اردیبهشت‌ماه.

- روابطش مجدداً با بهار تیره شده است.^۱

- امیدهای خود را در زمینه‌ی پیشرفت کشور در وجود رضاخان سردارسپه متجلی می‌بیند و، برخلاف بهار، در جبهه‌ی طرفداران او قرارداد.

- با روزنامه‌ی ناهید (از روزنامه‌های طرفدار رضاخان) همکاری فعالانه دارد. و

تصنیف «مارش خون» را در همین ایام می‌سراید.

- تشکیل دولت رضاخان سردارسپه / ۵ آبان‌ماه

- برقراری رژیم جمهوری در ترکیه، به ریاست مصطفی کمال‌پاشا (آتاتورک).

- سفر بدون بازگشت شاه به اروپا، به بهانه‌ی معالجه / ۱۴ آبان‌ماه.

- گشایش دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی / ۲۲ بهمن‌ماه.

- آغاز مخالفت‌هایی با سلطنت قاجاریه، به تحریک ایادی سردارسپه، و زمزمه‌ی جمهوری‌خواهی / اسفندماه.

- مخالفت شدید اقلیت مجلس، به زعامت مدرس، با جمهوری‌فرمایی.

- دو غزل «جمهوری» و تصنیف «مارش جمهوری» را در حمایت از سردارسپه

و جمهوریت، و مخالفت با شاه قاجار ساخته همراه با تصنیف‌های «مارش

خون» و «رحم ای خدای دادگر» در «کنسرت جمهوری»، طی دو شب متوالی،

۱. به دنبال انتشار تصنیف «دست حق» تصنیف دیگری در پاسخ آن در روزنامه‌ی قانون منتشر می‌شود، که آن را به ملک‌الشعرا بهار نسبت می‌دهند:

ای اجنبی پشت و پناحت بازآ

بدخواه ایران خیرخواهت بازآ

عارف به قربان نگاهت بازآ

لغنت به کابینه‌ی سیاهت بازآ...

ای یار عارف، غمخوار عارف، اشعار عارف

آورده ملت را برون از اشتباهت بازآ...

و احتمالاً همین تصنیف مجدداً موجب تیرگی روابط شده است؛ البته ریشه و پس‌زمینه‌ی اختلاف را باید در نظرات و احساسات متضاد دو شاعر نسبت به قوام‌السلطنه جستجو کرد، که یکی دوست وفادار و دیگری دشمن بی‌امان اوست و هیچ موقعیتی را برای حمله به او از دست نمی‌دهد. (به‌ویژه پس از مرگ کلنل).

در «گراند هتل» اجرا می‌کند/ ۲۳ و ۲۴ اسفندماه.

- تظاهرات طرح‌ریزی شده‌ی جمهوری‌خواهان در تهران/ ۲۹ اسفندماه.

۱۳۰۳:

- واکنش مخالفان جمهوری، اعتصاب بازاریان و اصناف، تظاهرات و زد و خورد در میدان بهارستان و عقیم ماندن نقشه‌ی جمهوری (با درایت و زعامت سید حسن مدرس)/ ۲ فروردین‌ماه.

- سفر سردارسپه به قم و ملاقات با روحانیون، انتشار بیانیه‌ای دایر بر موقوف شدن صحبت جمهوری/ ۱۲ فروردین‌ماه.

- احمدشاه در تلگرامی به رئیس مجلس، عدم اعتماد خود را به سردارسپه ابراز کرده از نمایندگان می‌خواهد تا شخص دیگری را به نخست‌وزیری برگزینند/ ۱۹ فروردین‌ماه.

- اطلاع رضاخان از موضوع و انجام یک سلسله نمایش‌های عوام‌فریبانه و جوسازی، برای ارباب مخالفان و تحکیم موقعیت خود - ازجمله قهر و خروج وی از تهران و تظاهر به کناره‌گیری - و بالاخره ابراز تمایل اجباری مجلس به او/ ۱۸-۲۵ فروردین‌ماه.

- با ساختن تصنیف طنزآمیز و سیاسی «ژبان هاف هافوشو...»، که سریعاً بر سر زبان‌ها می‌افتد، شدیداً به گروه اقلیت مجلس و مخالفان جمهوری می‌تازد.^۱

- ترور میرزاده‌ی عشقی مدیر روزنامه‌ی قرن بیستم، به دست عوامل سردارسپه، و اولین اعلام خطر جدی به مخالفان دیکتاتوری/ ۱۲ تیرماه.

- سفر به آذربایجان و اقامت در منزل علی بیرنگ در تبریز؛ پس از شکست نهضت به اصطلاح جمهوری‌خواهی در تهران، اکنون به پاگرفتن نهضتی مشابه در آذربایجان دلبسته است.

- تشکیل کابینه‌ی جدید سردارسپه/ ۳۱ مردادماه.

۱. و باز بهار در تصنیف دیگری به او پاسخ می‌دهد و طبعاً اختلاف تشدید می‌شود:

عارف هوچی شدی، هو کن بینم
چو فیدل باز عوعو کن بینم
به دور سفره‌ی چرب فلائی
به سان گربه مومو کن بینم...

- تشکیل کمیته «قیام سعادت» و شورش شیخ خزعل در خوزستان، به حمایت از شاه و مخالفت با رضاخان/ ۲۲ شهریورماه.
- نطق تاریخی مدرس رهبر گروه اقلیت مجلس، در مخالفت با دیکتاتوری رضاخان/ ۱۱ آبان ماه.
- سفر سردار سپه به خوزستان برای فیصله‌کار خزعل، و بازگشت فاتحانه به تهران/ ۱۳ آبان - ۱۱ دی ماه.
- تفویض فرماندهی کل قوا به رضاخان، از سوی مجلس و به‌منظور قدردانی از او/ ۲۳ بهمن ماه.
- هنوز با ساده‌دلی به رضاخان اعتقاد دارد و در اشعارش از او ستایش می‌کند.
- برگزاری سه کنسرت باشکوه (و در واقع آخرین نمایش عمومی زندگی هنری) در تبریز؛ در این کنسرت‌ها لبه‌ی تیز حمله‌اش متوجه فرقه «ترک اجاقی» ترکیه و «پان‌ترکیست» هاست، و از جمله غزل‌های: «درویش بیابانی»، «ستایش تبریز»، «عشق آذربایجان»، «داد حسنت به تو...» و تصنیف‌های: «شهناز»، «ظلم خزان»، «آذربایجان» و «رحم ای خدای دادگر» را اجرا می‌کند و با استقبال پرشور مردم آذربایجان روبه‌رو می‌شود/ ۲۷-۲۸-۳۰ اسفندماه.

:۱۳۰۴

- پایان چاپ اول دیوان شعر او در برلین - به‌کوشش سیف‌آزاد و رضازاده شفق - و ارسال آن‌ها به تهران، که در گمرک توقیف می‌شود.^۱
- مراجعت از تبریز به تهران/ بهار.
- رضاخان مشغول تحکیم پایه‌های قدرت خویش است و عارف ظاهراً متوجه اشتباه خود درباره‌ی او شده است، زیرا دیگر در اشعار و نوشته‌هایش هیچ ستایشی از رضاخان وجود ندارد.
- بسیار بدبین، مأیوس و مردم‌گریز شده است و دور از همه در باغی متعلق به سپهدار در قریه‌ی زرگنده، شمیران اقامت دارد/ تابستان.

۱. به خلاف تصور اولیه و آنچه تاکنون نوشته‌اند، به نظر می‌آید که این کتاب‌ها نه به دلایل سیاسی، بلکه به علت عدم پرداخت حقوق و عوارض گمرکی ضبط شده باشد؛ زیرا به نوشته‌ی ناشر - عبدالرحمان سیف‌آزاد - هفت‌ص‌جلد آن‌که ظاهراً حق‌التألیف عارف بوده، مدتی بعد به دستور تیمورتاش به او تحویل و بقیه هم چند سال بعد در گمرک حراج شده، توسط کتاب‌فروشی بروخیم خریداری شده و در بازار توزیع می‌شود، و این نشان می‌دهد که کتاب مشکل سیاسی نداشته است.

- مطلع می‌شود که ظاهراً نیاکانش تا دو نسل قبل از وی زرتشتی بوده و آداب و سنت‌هایی مخصوص به خود داشته‌اند؛ بنابراین تصمیم می‌گیرد درباره‌ی آن‌ها تحقیق کند و بدین منظور با میرزا یحیی واعظ قزوینی مدیر روزنامه‌ی نصیحت قزوین- برای سفری به رودبار، در تابستان سال آینده، قرار می‌گذارد.

- طرح مسئله تغییر سلطنت در مجلس و مخالفت شدید گروه اقلیت، از جمله ملک‌الشعرا بهار، با آن؛ طراحی ترور بهار از سوی عوامل رضاخان، برای ارباب مخالفان، و کشته شدن واعظ قزوینی در جلوی مجلس که با بهار شباهت داشته و اتفاقاً به آنجا آمده است / ۷ آبان‌ماه.

- ناکامی‌های و سرخوردگی از سیاست او را شدیداً افسرده و منزوی کرده است؛ تنها مونس او دو سگ، و تنها پرستار و دمسازش کلفتی آذربایجانی از اهالی میانه به نام جیران است، که بعدها شاعر با او ازدواج می‌کند.^۱

- اعلام انقراض سلطنت قاجار، توسط مجلس مؤسسان فرمایشی و انتخاب رضاخان سردار سپه به سلطنت / ۲۱ آذرماه.

سال‌های خاموش و فراموشی، تبعید اختیاری و دق: ۱۳۰۵-۱۳۱۲ ه.ش.
(= ۱۳۴۴-۱۳۵۲ ه.ق.)

- تاجگذاری رضاشاه پهلوی / ۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۵.

- رژیم جدید از او انتظار همکاری دارد، ولی «شاعر ملی» تن در نمی‌دهد؛ دیگر به جریان‌ات سیاسی علاقه‌ای ندارد و دم فرو بسته است.

- برای دوری از تهران و سیاست، به یک تبعید اختیاری تن در داده دعوت دوستی را برای سفر به بروجرد می‌پذیرد / ۱۵ خردادماه.

- در روستای گل‌زرد بروجرد مستقر شده تصمیم می‌گیرد شرح احوال دوره‌ی آزادی‌خواهی خود را نوشته و نیز درباره‌ی نیاکان خود تحقیق کند.

۱. «این زن وفادار، که تا پایان عمر شاعر صمیمانه به او خدمت می‌کند، ظاهراً در حدود سال (۱۳۵۰ ه.ش.) در تیمارستانی در تهران درگذشته است.» (م. سپانلو). در گفت‌وگویی که با جناب سپانلو داشتم خواستار توضیحات بیشتری در این مورد شدم که ایشان فرمودند این جمله را به نقل از دوست پزشکی نقل کرده است؛ اما اسناد و شواهد ما نشان می‌دهد که جیران تا پایان عمر در همدان بوده است. (م. به‌خیال).